



تجزیہ

۲۴

ویپرہ

وضعیت سیاسی - امنیتی قرقیزستان
۱۳۹۷/۰۹/۱۰



موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

www.iiwfs.com

بسمه تعالی

موسسه آینده پژوهی جهان اسلام (IIWFS)

بررسی وضعیت سیاسی - امنیتی قرقیزستان، فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو

نویسنده: راحله چترسفید

پژوهشگر مسائل سیاسی حوزه آسیای مرکزی

مقدمه

جمهوری قرقیزستان کشوری است واقع در آسیای مرکزی که دارای تاریخ سیاسی پرآشوبی است؛ هرچند طی سال‌های اخیر توانسته به درجه‌ای از ثبات دست یابد. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ تظاهرات گسترده علیه فساد حکومتی، موجب برکناری رییس جمهور این کشور شد اما این کشور از سال ۲۰۱۰ به بعد تا حدودی دوره‌ای از ثبات سیاسی را تجربه کرده است. چرا که در این مقطع برای اولین بار در تاریخ قرقیزستان شاهد روی کار آمدن رییس جمهوری بودیم که قدرت را به شیوه‌ای دموکراتیک و صلح آمیز کسب کرد. این فرد کسی نبود جز «آلماز بک آتامبایف» که در دسامبر ۲۰۱۱ به ریاست جمهوری رسید. ائتلاف حاکم در سپتامبر ۲۰۱۲ و بعدها در بهار ۲۰۱۴ با روندی صلح آمیز، تغییر کرد. در اکتبر سال ۲۰۱۵، جمهوری قرقیزستان توانست انتخابات رقابتی پارلمانی ملی را با موفقیت پشت سر بگذارد. در نهایت در دسامبر ۲۰۱۶ رفراندوم قانون اساسی برگزار شد. اما یکی از مهمترین مشکلاتی که همیشه پیش روی این کشور بوده، استفاده مخالفان سیاسی نظام یا حزب حاکم از احساسات مردمی و گروه‌های ناراضی در جامعه است. در واقع سازماندهی معترضان به وسیله سیاستمداران طیف اپوزیسیون، بسیار رایج بوده و غالباً در طول سال‌های اخیر در این کشور اتفاق افتاده است. یکی از دلایلی که این وضعیت را تشدید می‌کند، نقض حقوق بشر و عدم توجه به مطالبات گروه‌های قومی و

مذهبی است. همین امر، نگرانی‌ها در خصوص اقدامات خشونت آمیز علیه حقوق بشر در قرقیزستان را افزایش داده است. در واقع نظام سیاسی این کشور از دو جهت ضربه پذیر شده است: اول از جانب مردم در پایین هرم قدرت (سطح خرد): کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام نزد گروه‌های اقلیت و ناراضی. دوم: از جانب مخالفان سیاسی در هرم قدرت (سطح کلان) که به تحریک احساسات مردمی جهت نیل به اهدافشان متوسل می‌شوند.

نقاط ضعف سیاسی - امنیتی قرقیزستان

شاید بتوان بیشترین چالش حکومت را در بخش‌های جنوبی این کشور مشاهده کرد که تنش‌های درون - قومی سال ۲۰۱۶ در این بخش‌ها، تاثیری بی‌ثبات کننده بر حکومت به جا گذاشت. در سال ۲۰۱۶، تلاش داعش برای به خدمت گرفتن نیروهای قرقیزستان در سوریه تبدیل به تیتر اول روزنامه‌ها شد. حامیان گروه‌های افراط‌گرا همچون جنبش اسلامی ازبکستان (IMU)، القاعده و جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) در آسیای مرکزی همچنان فعال بودند. این گروه‌ها اساساً ماهیتی ضد امریکایی دارند. در آگوست همین سال، گروه‌های وابسته به جنبش اسلامی ترکستان شرقی به یک حمله انتحاری در نزدیکی سفارت چین و به فاصله ۷۰۰ متری از سفارت ایالات متحده امریکا در بیشکک، دست زدند. در این حمله، فرد عامل انفجار کشته و چهار نفر دیگر زخمی شدند و خسارات فراوانی را به بار آورد.

خشونت و اعتراضات سیاسی در قرقیزستان طی سال‌های اخیر رو به فزونی گرفته و حکومت از این ناحیه ضربه پذیر شده است. نهایتاً بالا گرفتن تنش‌های قومی منجر به خشونت و کشتار شهروندان و کناره‌گیری رییس جمهور در آوریل ۲۰۱۰ شد. هرچند دو ماه بعد در شهرهای جنوبی اوش و جلال‌آباد شاهد تنش‌های درون گروهی بودیم. در این بین ۲۰۰۰ نفر جان باختند و هزاران تن دیگر مجروح و بی

خانمان شدند. به علاوه ساختمان‌های اداری و مسکونی آسیب دیدند. از آن مقطع تا کنون وضعیت کشور تا حدودی آرام شده و برگزاری موفقیت آمیز انتخابات ریاست جمهوری در اواسط دسامبر ۲۰۱۰ به بهبود بیشتر فضا کمک کرد. اما کشور همچنان مستعد زمین لرزه‌های سیاسی و تحرکات خشونت آمیز است .

البته علی رغم پتانسیل بالای جامعه قرقیزستان برای خشونت و بحران، از سال ۲۰۱۱، شاهد تغییرات مثبت و تدریجی در این کشور بودیم. صنعت گردشگری در این کشور در حال رونق است و می‌تواند به بهبود بیشتر اوضاع کمک کند. اما در عین حال باید یادآور شد که محیط هنوز برای گردشگران آنقدر مساعد نیست و فضای سیاسی به گونه‌ای است که هر گردشگر با ورود به این کشور باید مراقب اعمال و رفتار خود باشد، چرا که هر حرکتی می‌تواند به منزله اقدامی سیاسی تلقی شود که ممکن است هزینه‌های گزافی را برای گردشگران به دنبال داشته باشد .

وضعیت کنونی قرقیزستان

جامعه قرقیزستان پیش از روی کار آمدن «سورنبای جین‌بیک‌اف» شاهد تحولات پر فراز و نشیب بسیاری بود. مشاجرات سیاسی بین رئیس جمهور سابق و رهبر اپوزیسیون یعنی «تکمبایف» به اوج خود رسیده بود. حکومت، تکمبایف را متهم به ایجاد این فضای ملتهب نمود. حزب آتامکین برای حمایت از رهبر اپوزیسیون یعنی تکمبایف، تظاهراتی را سازماندهی کرد و در واقع تمام نیروهای سیاسی را به مبارزه علیه فساد دولت، فراخواند. اما این مسئله به منزله مبرا بودن هیچ یک از طرفین این نزاع پیچیده نیست. در واقع نه آتامبایف، نه تکمبایف و نه هیچ کدام از سیاستمداران و نخبگان سیاسی قرقیزستان نمی‌توانند از فساد موجود تبری جویند. بر این اساس نزاع بین این گروه‌ها به منزله

مبارزه برای حقوق و منافع مردم نیست. بلکه بر عکس، هدف از این مبارزه، سیطره بر شهروندان و جلوگیری از افشای جنایاتی است که مرتکب شده‌اند.

بر این اساس باید گفت نوع دغدغه و فعالیت رقابتی عرصه سیاست در این کشور، متفاوت از یکدیگر نیست. در چنین وضعیتی، شاید این سوال در ذهن مردم نقش بندد که: موضع مسلمانان و سازمان‌های اسلامی در قبال تحولات پیش رو در قرقیزستان چه باید باشد؟ بدون شک، نخبگان سیاسی و سیاستمداران کنونی مسبب این وضعیت هستند، اما این بدان معنا نیست که اگر سیاستمداران جدیدی بر سر کار بیایند، اوضاع بهتر خواهد شد و با توجه به تشابه اهداف و منافع و عملکرد احزاب و گروه‌های اپوزیسیون که وعده‌های فراوانی به مردم می‌دهند، احتمال می‌رود آنان نیز همچون سیاستمداران پیش از خود فساد و خرابی بسیاری به بار بیاورند. همان سیاستمدارانی که به نحوه عملکرد باکیوف انتقاد شدید داشتند و وی را برکنار کردند، اکنون ثروت‌های ملی کشور را تصاحب کرده‌اند. در هر مقطعی که قدرت به طیف جدیدی منتقل می‌شود، دولت جدید بیش از گذشته به فساد آلوده می‌شود. در واقع باید گفت جامعه و نظام کلی قرقیزستان نیز جزو مواردی است که مشکلاتش با تغییر شخصیت‌ها و کابینه‌ها حل نمی‌گردد و تا زمانی که سیستم حکومتی بر پایه فساد باشد، این وضعیت همچنان تداوم خواهد داشت و حتی روی کار آمدن سیاستمدارانی ماهر و متخصص کار به جایی نخواهد برد.

چالش‌های سیاسی - امنیتی پیشروی قرقیزستان

بعد از مشاجرات، مبارزات و التهاب جامعه قرقیزستان که ناشی از بروز فساد در سیستم حکومتی و تحرکات احزاب مخالف علیه بدنه حکومت و سیاستمداران روی کار بود، پنجمین رئیس جمهور این کشور از حزب سوسیال دموکرات در تاریخ ۲۴ نوامبر سال ۲۰۱۷ رسماً آغاز به کار کرد. به نظر می‌رسد

کشور بتواند در سایه این انتخاب به درجه‌ای از آرامش برسد. اما میراثی که سیاستمداران پیشین از خود بر جای گذاشته‌اند، کار کابینه جدید را مشکل می‌سازد و به نظر می‌رسد برخی موانع، میزان آسیب‌پذیری سورنبای جین‌بیک‌اف را در مقابل شیرازه بیمار و نوپای جامعه افزایش دهد. مسائلی همچون: مدیریت و مقابله با نخبگان سیاسی قدرتمندی که ممکن است در کار وی مانع تراشی کنند، تعیین نقش مذهب در جامعه که با توجه به وضعیت فعلی منطقه اصلاً مولفه کم‌اهمیتی نیست، و نیز ایجاد سازش و آشتی با همسایگان به خصوص قزاقستان و ازبکستان .

همانطور که ذکر شد، چالش‌ها و نیز فرصت‌های فراوانی - چه از بعد داخلی و چه از بعد منطقه‌ای - پیش روی جین بیک‌اف قرار دارد. یکی از این چالش‌ها، بحث نزاع قومیتی است که به اهرمی برای گروه‌های مخالف علیه دولت تبدیل شده و در بسیاری از موارد با استفاده از این امر، توجه و حمایت مردمی را کسب می‌کنند. کمیته امنیت ملی (GKNB) در ۴ نوامبر ۲۰۱۷، بابانوف یکی از مخالفان دولت را بر اساس سخنرانی که در ۲۸ سپتامبر در منطقه ازبک نشین اوش انجام داده بود، متهم به تحریک قومی کرد و تحقیقاتی را علیه وی آغاز نمود. به باور کمیته، بابانوف برای کسب حمایت ازبک‌ها به تحریک احساسات آنها دست می‌زند. برخی ناظران نیز گشودن این پرونده توسط کمیته امنیت ملی قرقیزستان را کاملاً سیاسی می‌دانند که ارتباطی با امنیت ملی و تحرکات قومی ندارد .

تنش‌های قومی در شهر اوش به اوج رسید، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰، ۴۰۰ ازبک در این میان کشته شدند. شدت تنش تا جایی بود که ممکن بود سایر مناطق را نیز درگیر کند. در دوره رئیس‌جمهور پیشین، لباس بیک اگرچه شاهد ثبات چندانی نبودیم اما دست کم برای ایجاد ثبات در منطقه و امنیت اقتصادی در داخل قرقیزستان، تلاش‌هایی صورت گرفت. دقیقاً این دو مولفه بودند که به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۰۵ منجر به کناره‌گیری روسای جمهور یعنی باکیوف و آکایوف گردید. انتظار می‌رود

جیک بک اف بتواند توازن بیشتری در این زمینه ایجاد کند و وضعیت خاص امنیتی در منطقه اوش را به حداقل برساند. چرا که در حال حاضر یکی از مشکلات پیش روی این است که کنترل حکومت مرکزی بر شهر اوش به اندازه‌ای است که جنبه شخصی به خود گرفته است.

فرصت‌های سیاسی - امنیتی پیشروی قرقیزستان

تنش در سطوح پایین و بالای ساختار سیاسی و نیز در لایه‌های اجتماعی قرقیزستان پرونده‌ای بوده که تقریباً تمام روسای جمهور این کشور با آن مواجه بوده‌اند و مسئله تازه‌ای نیست. اما اینکه نگارنده در اینجا از فرصت‌ها سخن به میان می‌آورد، شاید کمی سوال‌برانگیز باشد. و این سوال در ذهن خواننده شکل بگیرد که جامعه و نظامی که همواره با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای مواجه بوده، چگونه می‌تواند با فرصت همراه باشد؟ شاید این سوال به ذهن متبادر شود که میراث نابسامانی که سیاستمداران پیشین برای دولت فعلی و به تبع آن برای رئیس جمهور فعلی بر جای گذاشته‌اند، چگونه می‌تواند با فرصت همراه باشد؟ در پاسخ باید گفت وجود چالش در بدنه سیستم سیاسی و نیز در جامعه چند پاره قرقیزستان با مطالبات متفاوت و نیز متناقضش را نمی‌توان نادیده گرفت. اما نیک پیدا است که گروه‌های مختلف سیاسی و نیز مردم از وضعیت پیش آمده خسته‌اند و ابتکار، نبوغ و مدیریت قوی کابینه جدید می‌تواند با شناسایی نقاط ضعف و قوت و مرور کارنامه نخبگان پیش از خود و مدیریت چالش، تا حدود زیادی راه را برای حل مشکلات پیش رو بگشاید.

یکی از فرصت‌های پیش روی رئیس جمهور جدید این است که مسئله مذهب را حل کند و در واقع نقش و جایگاه آن را در جامعه مشخص سازد. سال‌های طولانی است که قرقیزستان نیز همچون سایر دولت‌های آسیای مرکزی در قبال مذهب، موضعی سخت در پیش گرفته است؛ همین امر منجر به بروز تنش‌های فراوانی در این کشور شده است. این در حالی است که اصولاً سیاستمدارانی که زمامداری

یک جامعه سکولار را عهده دار هستند، با در پیش گرفتن مواضع بی طرفانه و تساهل در قبال تمام گروه‌های مطرح در جامعه، از بروز تنش و در درجه بعد بحران جلوگیری می‌کنند. همین عدم وجود استراتژی قوی از سوی سیاستمداران قرقیزستان، این کشور را به یکی از کانون‌های مهم فعالیت‌های تروریستی مبدل ساخته است. حمله تروریستی به سفارت چین در سال آگوست ۲۰۱۶ گویای این امر است. شاید بهتر باشد نظام سیاسی قرقیزستان با دقت و نبوغ بیشتری به مسائل بنگرد و با در نظر گرفتن آزادی‌های مدنی و مذهبی و مطالبات شهروندان، در جامعه توازن ایجاد کند .

بخش خارجی سیاسی - امنیتی قرقیزستان

از دیگر مسائلی که پیش روی چین بک اف قرار دارد، روابط قرقیزستان با قزاقستان است که در دوران ریاست جمهوری آتامبایف به وخامت گرایید و قرقیزستان، این کشور را متهم به دخالت در انتخابات و امور داخلی خود نمود. در واکنش به این اقدام، قزاقستان، قرقیزستان را متهم به قاچاق کالای چینی از طریق مرزهای قزاق - قرقیز نمود و قوانین گمرکی سختی را در مرزهایش علیه این کشور اعمال کرد. اعمال این وضعیت، اقتصاد قرقیزستان را با مشکل اساسی مواجه ساخت. در پاسخ، قرقیزستان به سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه (قزاقستان یکی از بنیان‌گذاران این اتحادیه است) شکایت کرد. اما تلاش روسیه برای حل این اختلاف بی فایده بود. اینکه مواضع سخت قزاقستان در قبال قرقیزستان ناشی از اختلافی است که با آتامبایف داشت یا ناشی از نگرانی آنها از مسئله قاچاق کالا در مرز دو کشور، چندان مشخص نیست. در چنین شرایطی نمی‌توان با قاطعیت گفت که چین بک اف بتواند در ایجاد مصالحه و سازش با این کشور موفق شود. در واقع تمایل یا عدم تمایل قزاقستان به حل مشکلات فی ما بین بستگی به این دارد که آیا آنها چین بک اف را آنقدر

مستقل و قدرتمند می‌بینند که به این مصالحه پاسخ مساعد بدهند یا وی را صرفاً عروسک و بازیچه آتامبایف می‌دانند .

در ارتباط با اختلاف بین قرقیزستان با ازبکستان نیز به نظر می‌رسد در قیاس با گذشته، روابط رو به بهبودی است که البته بهبود این روابط تا حد زیادی مرهون پیشگامی ازبکستان است تا قرقیزستان. همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی در بلند مدت، ثبات را در این منطقه تقویت خواهد کرد و قرقیزستان در این بین می‌تواند با ایفای نقشی کلیدی و تقویت همکاری خود با کشورهای منطقه‌ای، تنش‌های مرزی موجود در حوزه آب و انرژی را حل کند. اگر روند بهبود روابط و تقویت همکاری بین ازبکستان و قرقیزستان ادامه یابد، منطقه شاهد همکاری (collaboration) و صلح سازی (peacebuilding) در بلند مدت خواهد بود .

نتیجه گیری

در کل می‌توان گفت قرقیزستان نمونه‌ای از دموکراسی پارلمانی نو پا در منطقه‌ای حساس و بحران زا است؛ دموکراسی‌ای که راه طولانی در پیش دارد. در چنین شرایطی اگر جین بک اف بخواهد برنامه مبارزه با فساد را ادامه بدهد، صرف مبارزه با مخالفان حزب او نمی‌تواند راه به جایی ببرد و باید تلاش‌ها فراتر از مبارزات جناحی باشد. به عبارت روشن‌تر، قرقیزستان همچون بسیاری از کشورهای نوپای آسیای مرکزی علی‌رغم برخورداری از شکل و عنوان دموکراتیک نظام سیاسی، همچنان مستعد بحران و چالش است. بر این اساس بهتر است گزینه پیش روی قرقیزستان حل فساد در کل سیستم سیاسی باشد نه حذف مخالفان و یا مبارزه مقطعی با فساد. از طرف دیگر قرقیزستان همجوار دولتی‌هایی است با پایه‌های لرزان که آنها نیز از وضعیتی بی‌ثبات برخوردارند. نتیجه اینکه ثبات و صلح در داخل هم

بستگی به اصلاح سطوح داخلی و هم‌همکاری‌های منطقه‌ای برای به حداقل رساندن مشکلات دارد. در یک جمله شاید کلیدواژه اجماع در دو سطح داخلی و منطقه‌ای، خرد و کلان، کمک‌کننده باشد.